دیدگاه

اندیشمند متواضع

حجت‌الاسلام سید جلال حسینی، رئیس سازمان کتابخانه‌ها، اسناد و موزه‌های آستان قدس رضوی | هر کتابخانه‌ای در دنیا به اندوخته‌های ارزشمند خود میراث گرانبهایی که در خود محفوظ داشته توجه ویژه‌ای دارد. میراث مکتوب ارزشمندی که در طول سالیان دراز در گنجینه نفیس آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود یکی از امتیازهای مهم این کتابخانه در کنار دیگر کتابخانه‌های جهان است. اما توجه به سرمایه های ارزشمند انسانی یکی از نکاتی است که شاید کمتر نهادی می تواند به توجه ویژه‌ای داشته باشد.

در طول سالیان درازی که کتابخانه آستان قدس رضوی در کنار مضجع شریف امام رضا(ع) تأسیس شده، اندیشمندان و علمای بسیاری در این مکان حضور داشته و تأثیرات بسزایی در رشد و توسعه این نهاد فرهنگی برگزار جهان داشته‌اند.

در دنیای جدید، مدیریت «ستاره‌ها» و نخبگان یکی از موضوعات مهمی است که اندیشمندان علوم انسانی را به خود متوجه کرده است.

آستان قدس رضوی مفتخر است در طول مسیر درخشان فرهنگی و علمی خود از فرهیختگان و بزرگان بسیاری در مسیر توسعه این نهاد بهره برده است. در روزگاران قدیمه محدث بزرگ چون ملامحسن فیض کاشانی در حریم مقدس رضوی محفل درسی بنا نهاده بود. معروف است رواق توحیدخانه را مرحوم ملامحسن فیض کاشانی در سال ۱۰۷۲ قمری بنا کرد. مرحوم فیض در این محل تدریس می کرده و به دلیل گفتن کلمه طیبه لا اله الاالله در این مکان، این رواق به توحیدخانه مشهور شده است.

یکی از ارتقاء اسلامی ایران این سیر علمی با جهشی درخشان به مسیر خود ادامه داد. علما و اندیشمندان بزرگی با حضور در این نهاد توانستند با برنامه‌ریزی مدون، تحولات شگرفی در حرکت علمی فرهنگی آستان قدس رضوی ایجاد کنند. یکی از این چهره‌های درخشان که نویسنده این سطور سال‌ها از نزدیک با خدمات علمی و فرهنگی آن آشنایی داشته، دکتر محمدمهدی رکنی یزدی است. اویکی از استادان ممتاز گروه ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد بود. پس از انقلاب به دلیل آشنایی نزدیک با تولیت فقید آستان قدس رضوی، آیت‌الله واعظ طبسی به عرصه مدیریت فرهنگی آستان قدس ورود کرد. پس از تأسیس بنیاد پژوهش‌های آستان قدس در سال ۱۳۶۳ خورشیدی او به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره این نهاد علمی انتخاب شد و در کنار بزرگانی چون مرحوم آیت‌الله واعظ خراسانی، مرحوم حجت‌الاسلام کاظم مدیرشانچی، مرحوم دکتر براردان، دکتر روحانی و حجت‌الاسلام علی اکبر الهی خراسانی به تدوین سیاست‌های علمی بنیاد مشغول شد و با تشکیل گروه‌های علمی تأثیر بسزایی در رشد و پویایی علمی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس داشت. یکی از ویژگی‌های بارز دکتر رکنی، قلم شیوا و محققانه او است. بسیاری از آثار قلمی اش توسط انتشارات آستان قدس منتشر شده است.

استمرار فعالیه مشکوه در طول این سال‌ها در حوزه آموزه‌های قرآن و حدیث و فرهنگ اسلامی، گذشته از انتساب به آستان قدس رضوی، مدیون قبیله قلم به‌ویژه مدیریت و حاصل اندیشه دو شخصیت برزگوار، مرحوم آیت‌الله محمد واعظ زاده و جناب دکتر محمدمهدی رکنی بوده است.

دکتر رکنی بیش از ۳۰ سال عضویت تحریریه و بیش از ۲۰ سال سردبیر مجله است و در این مدت دستاورد قلم خود را که نزدیک به ۸۰ مقاله، سرمقاله و یادداشت به مناسبت‌های گوناگون بوده می شائیه در اختیار این نشریه گذاشته است.

دکتر محمدجعفر یاحقی
استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

زیستن در عمل و اعتقاد

اون آقای ریزنقشی که در صف جلو می بینی می‌دانی کیست؟
پسر خاله عباس آقا بود خطاب به من، می گوییم: نه نمی‌شناسم. او آقای دکتر رکن است، مرد متدینی است، ناامام را در صف اول جماعت می‌بینم؛ پسر خاله عباس آقا و به من می‌گوید.

قضیه بازمی‌گردد به سال ۱۳۴۵ که من به تازگی به مشهد مهاجرت کرده و در دبیرستان هدایت تدریس شده بودم.
از آن پس هرگاه برای نماز جماعت به مسجد مقبل می‌رفتم و آن مرد ریزنقش را به ترتیبی مؤمنانه می‌دیدم که در صف‌های اول جماعت حمد و سوره را با قرائت صحیح آرام بر زبان می‌آورد، یاد این جمله عباس آقا می‌افتادم: «او آقای دکتر رکن است، مرد متدینی است».

دری به تخته خورد و من سال بعد به دانشکده ادبیات مشهد وارد شدم و دو سال بعد که استادم دکتر رجایی با آن وضع اتوهویار بازنشسته شد، روزی دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر جلال متینی دکتر رکن بدم نیامد به‌ویژه اشاره‌ها و تلمیحات قرآنی شعر حافظ

آقای دکتر رکن که بارها را در مسجد مقبل دیده بودم وارد کلاس شدند و خود که کلاس نشستند و آقای دکتر رکن رفت پشت تریبون و غزلی از حافظ را برای ما تدریس کرد. با آنکه در حال و هوای کلاس دکتر رجایی بودم و هر تدریسی را نمی‌پسندیدم، از تدریس آقای دکتر رکن بدم نیامد به‌ویژه اشاره‌ها و تلمیحات قرآنی شعر حافظ

را خوب بازگو می‌کرد و همین برای من که پایبندی‌های اسلامی داشتم در آن اوایل‌لایتی خوش افتاده بود. در همان جلسه بود که متوجه شدم اسم رسمی و کامل ایشان دکتر محمدمهدی رکنی یزدی است.

دو سال شاگردی دکتر رکنی و بعد هم متجاوز از سه دهه همکاری با این مرد خلیق در کسوت‌های مختلف از جمله دو بار مدیریت گروه، هفت سال ریاست دانشکده که سه سال آن من به عنوان معاون پژوهشی همین دانشکده که ایشان همچنان رئیسش بود عمل کردم و رفت و آمدهای زیاد به جلسات مذهبی در سال‌های اول استخدام من به تشویق ایشان و نشست و برخاست‌های متعدد در سال‌های

همکاری در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس زمینه را برای آشنا شوم و یقین پیدا کنم تنها با علم زیاد نیست که معلم می‌تواند برای معلم احترام برانگیز باشد، چنان که برای دکتر رکنی بود.

یادداشت

پیونددهنده دانشکده ادبیات و آستان قدس رضوی

دکتر سلمان ساکت، دبیر شورای مرکزی آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد | وقتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۳۴ به پایه‌دری دو فرآنه‌ی بنظیر آن روزها، علی مؤید ثابتی و محمود فرخ و با کوشش و فداکاری دکتر علی‌اکبر فیاض بنیان‌گذاری شد، اهل فرهنگ و ادب خراسان سر از پا نمی‌شناختند و از شادمانی سر به سایه‌سار آسمان می‌ساییدند، چرا که تأسیس دانشکده ادبیات در خطه زرخیز و ادب‌پرور خراسان، یکی از آرزوهای دیرینه آنان بود که اکنون در حال تحقق یافتن بود و برزمردی چون دکتر فیاض، مسئولیت آن را به عهده گرفته بود تا کاخی فراخور نام بلند و پرآوازه خراسان بنا کند.

از آن روز تا امروز حدود ۶۷ سال گذشته و این دانشکده، فراز و فرودهای فراوانی را از سر گذرانده است. گاه در اوج خرمندی، سوار بر اسب کامیابی و موفقیت بر کوس اقتدار کوبیده و نقش علمی و فرهنگی و اجتماعی خود را به‌خوبی ایفا کرده و در قامت یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دانشکده‌های پژوهش‌های اسلامی و مجله مشکوة خدمت کرده و به استواری و ثمربخشی پیوند میان دانشکده ادبیات و آستانه رضوی کمک نموده است. پیوندی که البته امروز گسسته و از میان رفته است. او در دانشگاه فردوسی مشهد از مدیریت گروه تا ریاست دانشکده، مسئولیت داشته و در حد توان خود کوشیده از آسیب تحرف به کیان علمی و فرهنگی گروه و دانشکده جلوگیری شود.

دکتر رکنی استادی است باورمند که هیچ‌گاه عقاید و باورهای مذهبی خود را به حوادث و رویدادهای سیاسی پیوند نزده و آن‌ها را به ریا و تزویر نیالوده است. در هر پست و مقامی که قرار گرفته، برای خودش قیایی ندوخته و همه توش و توانش را برای خدمت و بهره‌رسانی به کار گرفته است. او با همگان به ادب و صمیمیت و فروتنی رفتار می‌کند، برایش فرقی ندارد در برابر همکار یا مسئولی قرار گرفته باشد یا کارگر و زیردستش. با خطاب قرار دهد، هیچ‌گونه تفاخر و غروری در گفتار و کردارش دیده نمی‌شود. اهل رنجیدگی خاطر نیست، می‌گذرد و می‌گذارد، روشنی دلش را به صفای نیک‌نفسی‌اش پاس می‌دارد و آن را از آلودگی به گرد آزدگی و کینه‌وزی بر کنار می‌دارد. از راستی و صداقت به هیچ بهانه‌ای روی برنمی‌تابد. وقت‌شناس و منظم است. به تدریس عشق می‌ورزد و اگر دستش از تخته و پایش از کلاس برکنار مانده، اما با اشتیاق می‌نویسد و این نوشتن را وظیفه علمی و دینی خود می‌داند. جالب آنکه هیچ‌گاه برای نوشته‌هایش حق‌التألیف نگرفته و سهم خود را به خرید کتاب و اهدای آن اختصاص داده است. نجابت در وجودش نهادینه شده و اعتدال در رفتار و گردارش نمایان است. او به‌شدت مشوق است، هرگونه نیکی و خیری را چند برابر می‌بیند و چند برابر جلوه می‌دهد، برعکس، از بدی‌ها درمی‌گذرد، گویی کژی و کاستی در برابر چشمان پرعطوفتش رنگ می‌بازد و به نیکی می‌گراید.

آری، دکتر رکنی مجموعه‌ای از خصلت‌های نیکو و ویژگی‌های اخلاقی منحصر به فرد را در خود گرد آورده است، ویژگی‌هایی که حتی شمار اندکی از آن‌ها را به‌سختی می‌توان در کسی یکجا سراغ گرفت.

این همه سبب شده طیف گسترده‌ای از دوستان و همکاران و دانشجویانش دل در گرو او داشته و شیفته و دلبسته‌اش باشند و هرگاه از او یاد می‌کنند و نام می‌برند، جز به خیرخواهی و نیکی و نیکنامی نباشد. به قول فردوسی بزرگ:

نیابد جهان بر کسی پایدار
همه نام نیکو بود یادگار

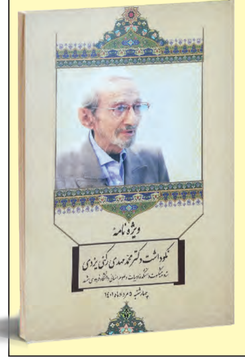

امید حسینی‌نژاد | «از نعمت‌هایی که خداوند در قرآن به پیامبران بزرگش مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی و الیاس و خاتم آنان، حضرت محمد(ص) عطا نموده و پس از شرح دعوتشان یاد آور شده، «نام نیک ماندگار» است که در آیاتی چند بیان شده است. به نظر نویسنده، این صفت برای نامی مهم را که خواست فطری انسان است و در وجودش سرشته شده بیان می کند»؛ این جملات بخشی از مقدمه مقاله «بقای نام نیک و آثار آن» از استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی و عضو سابق هیئت مدیره بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی است.

دکتر محمدمهدی رکنی یزدی نامی آشنا برای پژوهشگران ادبیات فارسی و علوم اسلامی است. همان که سال‌ها در عرصه علم و دانش قلم زد و آثار گوناگونی را به زیور طبع آراسته کرد و نام نیکی از خود در ذهن شاگردان و پژوهشگران علوم ادبی و اسلامی به یادگار گذاشت. او هم اکنون در سن ۹۲ سالگی قلم به دست می گیرد و مقالات محققانه‌ای درباره موضوعات مختلف ادبی می نگارد. وقتی از او به بهانه برگزاری بزرگداشت مقام علمی اش در دانشگاه فردوسی درخواست مصاحبه‌ای کردم ابتدا متواضعانه نپذیرفت اما با اصرار حاضر شد گفت‌وگویی کوتاه درباره فعالیت‌های علمی اش در طول این سال‌ها داشته باشیم. این گفت‌وگو در حیاط منزلش و در کنار درخت انجیری که وسط حیاط کاشته شده بود انجام شد. بسیاری از شاگردان او شیرینی دلنذیر انجیرهای خانه استاد را چشیده بودند و چشیدن این طعم در کنار شیرینی بیان او در تدریس و خاطرات خوش روزهای حضور در کنار استاد دوچندان می شد.

دکتر محمدمهدی رکنی یزدی سال ۱۳۰۹ در مشهد متولد شد و پس از پایان تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل به تهران رفت و مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گرفت. پس از بازگشت به مشهد از حرمله ۱۳۳۵ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌های مشهد مشغول به تدریس شد.

پس از انقلاب اسلامی و همزمان با تعطیل شدن دانشگاه‌ها در دوره انقلاب فرهنگی، به آستان قدس رضوی منتقل و ابتدا در اداره امور فرهنگی مشغول به خدمت شد و پس از تأسیس سازمان چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی توسط دکتر عباس سعیدی رضوانی، با این مؤسسه همکاری کرد که تألیف کتاب‌های متعدد، حاصل این همکاری بود. در سال ۱۳۶۱ بنیاد پژوهش‌های اسلامی به عنوان مرکزی علمی و پژوهشی و وابسته به شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی تأسیس شد.

وی به عنوان عضو هیئت مدیره به همکاری با بنیاد مشغول شد. پس از آغاز به کار مجله علمی - ترویجی مشکوة در سال ۱۳۶۱، به عضویت هیئت تحریریه این فصلنامه درآمد که از سال ۱۳۷۸ به عنوان مدیرمسئول و سردبیر این مجله انتخاب شد.

پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها، به دانشکده ادبیات بازگشت و به تدریس و فعالیت‌های علمی خود ادامه داد و طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶ ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد را به عهده داشت و در نهایت در سال ۱۳۸۲ پس از ۴۶ سال تدریس تمام وقت و با رتبه علمی استادتمامی از دانشکده ادبیات علوم اسلامی رضوی به تدریس و راهنمایی پایان‌نامه پرداخت. وی هم‌اکنون به عنوان عضو شورای عالی فصلنامه مشکوة مشغول به فعالیت است.

در این گفت‌وگو به بازخوانی روزهای نخستین تحصیل در مشهد، سال‌های ادامه تحصیل در تهران، شروع تدریس در شهر مشهد، حضور در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی و همکاری با آستان قدس رضوی پرداخته‌ایم.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

■ استاد شما اصالتاً یزدی هستید؟

بله، پدربزرگ من اهل یزد بود اما پدر من در مشهد متولد شدند. آن زمان که قرار شد شناسنامه‌ای برای خانواده تنظیم شود چون فامیل رکنی در مشهد زیاد بود به همین دلیل پدرم «رکنی یزدی» را انتخاب کرد. پدربزرگم بازرگان بود و در سفری که به مشهد داشت در این سرزمین مقدس سکنا گزید و املاک و زمین‌هایی نیز در مشهد داشت.

■ شما متولد سال ۱۳۰۹ خورشیدی هستید. تحصیلات ابتدایی را در مشهد گذراندید؟

بله، همه مقاطع ابتدایی تحصیل را در مشهد گذراندم. من در دبستان شرافت که در پایین خیابان مشهد واقع شده بود و یکی از دبستان‌های ملی مشهد بود تحصیل کردم، مدیر مدرسه، آقای مهدی ملکی، اهل یزد بود و آشنایی نزدیکی با پدرم داشت.

■ منزل شما در کدام منطقه مشهد بود؟

منزل ما نیز در «دربند علیخان» بود. دربند علیخان کوچه‌ای طولانی با باریک بود و دری در ابتدای آن قرار داشت. علت باریکی این مکان نیز جلوگیری از حمله غارتگران به این منطقه و جلوگیری از ورود اسب به داخل محدوده این کوچه بود. تجارت خانه پدربزرگ و پدرم نیز در آنجا قرار داشت. پدربزرگ من به رکن‌التجار مشهور بود. البته اکنون اثری از «دربند علیخان» نمانده و سال‌هاست تخریب شده است.

■ یکی از استادان شناخته شده در دبیرستان‌های مشهد مرحوم استاد محمدتقی شریعتی بوده است. شما نیز از محضر ایشان بهره بردید؟

من خیلی از محضر استاد شریعتی بهره بردم و

چندین درس را با ایشان گذراندم. یکی از کسانی که از نظر علمی بهره فراوانی از اندوخته‌های علمی و اخلاقی این مرحوم استاد شریعتی بود.

استاد محمد تقی شریعتی از سال ۱۳۱۳ به مدت ۳۰ سال در کار تعلیم و تربیت در علوم دینی، معارف، ادبیات فارسی و فقه مشغول بود. در سال ۱۳۱۵ پس از ورود به آموزش و پرورش، پیشنهاد شد در دستگاه قضایی به کار قضاوت مشغول شود ولی استاد شریعتی به دلیل وجود حکومت ظلمه حاکم، از این کار انصراف داده و به تدریس و تعلیم پرداخت.

عده‌ای به آن برزگوار پیشنهاد کردند به دلیل آشنایی با علوم دینی و حوزی، معمم شده، به حوزه بیایند ولی او گفت: معممین و روحانیون به اندازه کافی در حوزه هستند ولی کسی نیست که در دبیرستان‌ها و دانشسراها به تعلیمات دینی برای جوانان بپردازد. استاد شریعتی پس از شهریور ۱۳۲۰، زمانی که تودهای‌ها به‌شدت به تبلیغ اندیشه‌های مادی و ضددینی می‌پرداختند با تشریح حقایق اسلامی در کانون نشر حقایق اسلامی به تقابل با آنان می‌پرداختند. استاد در هفته جلساتی را برای آمادسازی شاگردان خود برای مناظره با اندیشه‌های تودهای‌ها برگزار می‌کرد تا به مقابله با طرز فکرهایی همچون «دین افیون توده‌هاست» بپردازد. استاد شریعتی با تلاش‌های فرهنگی و هنری، در شناساندن اسلام ناب به مردم و سم‌هایی که طاغوتیان زمان اسلام را در میان آن‌ها می‌داشتند در زمینه‌سازی انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشتند. استاد شریعتی در دوره‌ای نهج‌البلاغه به ما می‌آموخت و شرح می‌داد. کار مهم او این بود که نهج‌البلاغه و توجه ویژه به آن را در جامعه مطرح کرد.

■ چه سالی برای ادامه تحصیل به تهران رفتید؟

در سال ۱۳۳۰ خورشیدی برای شرکت در آزمون ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به این شهر سفر کردم. آن موقع هر دانشکده‌ای آزمون ورودی را به صورت جداگانه برگزار می‌کرد و آزمون‌ها یکپارچه نشده بود. خاطرم هست که برگه امتحانی من را دکتر ذبیح‌الله صفا مؤلف کتاب سترگ «تاریخ ادبیات در ایران» گرفت. در همان سال در دانشکده ادبیات تهران پذیرفته شدم و تا سال ۱۳۳۳ دوره لیسانس را گذراندم.

دکتر ذبیح‌الله صفا به ما تاریخ ادبیات درس می‌داد.

مرحوم محمدتقی مدرس رضوی عربی قدیم و دکتر محمدی عربی جدید به ما می‌آموخت. یکی از همکلاسی‌های من آقای دکتر مهدی محقق بود.

■ شما از محضر مرحوم جلال‌الدین همایی نیز بهره بردید؟

بله، ایشان به ما معانی و بیان درس می‌داد. اصولاً بین استادهای آن دوره باید گفت استاد همایی از مرحوم فروزانفر نیز علاقه‌تر بود. مرحوم همایی فقیه بود و با توجه به داشتن جایگاه والای علمی در حوزه به دانشگاه آمده و وارد عرصه تدریس شد.

■ چه شد که پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه تهران وارد عرصه تدریس شدید؟

من برای ورود به عرصه تعلیم و تربیت از مرحوم میرزا جوادآقا تهرانی کسب اجازه کردم. ایشان نیز نصایحی به بنده کردند. شایسته است به این نکته اشاره کنم که یکی از مشوقان اصلی من برای ورود به عرصه تدریس و تربیت شاگرد، مرتضی راستی مرشد علمی شاگرد سرپرست اسبق کتابخانه مرکزی آستان قدس بود که به‌تازگی به رحمت ایزدی پیوست. او به من گفت حتماً وارد مسیر تعلیم و تربیت شو و مثل استاد محمدتقی شریعتی می‌توانی موجب خدمات ارزنده‌ای در تربیت شاگردان شوی.

سال ۱۳۳۵ خورشیدی به مشهد بازگشتم. روزی برای پیگیری کاری به اداره آموزش و پرورش مراجعه کردم و در آنجا یکی از معلمان قدیمی‌ام، آقای صفویه را دیدم. از من پرسید چکار می‌کنی؟ گفتم فوق لیسانس ادبیات گرفته‌ام، او در پاسخ گفت: چه خوب، ما احتیاج به معلم ادبیات داریم. در مهر ماه ۱۳۳۵ به طور رسمی وارد عرصه تعلیم و تربیت شدم.

■ تدریس را از کدام مدرسه شروع کردید؟

من در دانشسرای مقدماتی و برخی مدارس دیگر تدریس می‌کردم. خاطرم هست چون خیلی جوان بودم وقتی برای تدریس حاضر شدم مدیر مدرسه به من گفت: ما برای ثبت‌نام جدید جایی نداریم. او گمان می‌کرد من از دانش‌آموزانی هستم که برای ثبت‌نام به آنجا مراجعه کردم.

وقتی دبیرستان علوی توسط برخی از تجار متدین مشهد و با تلاش‌های سید حسین سیدی علوی که یکی از طلبه‌های روشن‌اندیش بود تأسیس شد به آن مدرسه رفتم و تدریس را ادامه دادم.

■ بهانه ورود شما به دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی چه بود؟

پس از اینکه مرحوم استاد احمدعلی رجایی بخارایی بازنشسته شد دکتر مجتهدزاده که آن موقع ریاست دانشکده الهیات فردوسی را برعهده داشت به سبب آشنایی که با یکدیگر داشتیم من را به دکتر جلال متینی، رئیس وقت دانشکده ادبیات معرفی کرد. در ابتدا پایان‌نامه خود را که با موضوع «تحقیقی در تفسیر کشف الاسرار و عده‌الابرار میبدی» نوشته بودم به گروه برای ارزیابی تحویل دادم. مرحوم دکتر یوسفی که مدیر گروه بود پژوهشم را پسندید. پس از مدتی امتحانی از من گرفتند و به عنوان عضو هیئت علمی گروه ادبیات دانشگاه فردوسی پذیرفته شدم و از مهرماه ۱۳۴۸ خورشیدی فعالیت‌هایم را در دانشگاه آغاز کردم.

■ شما با دکتر شریعتی همکار بودید؟

او در گروه تاریخ مشغول بود. مرحوم دکتر شریعتی در طول فعالیت‌هایش در دانشکده ادبیات به دنبال شورش علیه حکومت طاغوت بود. او باورها می‌گفت اسلام علوی یعنی شورش بر ضد ظلم و حکام ظالم. او تسلط بالایی بر بیان و جذابیتی در سخن داشت. به همین دلیل جمع زیادی از دانشجویان به سمت او جذب شدند. وقتی کلاس او تشکیل می‌شد بقیه کلاس‌ها تعطیل می‌شد و این مسئله سبب شد برخی از استادان بر ضد او موضع بگیرند. به همین دلیل به تهران سفر کرد و بقیه فعالیت‌هایش را در آن شهر ادامه داد.

بعضی مرحوم دکتر شریعتی را با مرحوم شهید مطهری مقایسه می‌کنند. این مقایسه از نبیان اشتباه است. شهید مطهری مردی فقیه و اسلام‌شناس بود اما تخصص دکتر شریعتی جامعه‌شناسی تاریخ بود. هر دو بر اساس بینش خود به فعالیت می‌پرداختند و سنخ کارشان با یکدیگر فرق می‌کرد.

■ سابقه همکاری شما با آستان قدس رضوی از چه زمانی شروع شد؟

پس از انقلاب اسلامی و شروع انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها برای مدتی تعطیل شد. مرحوم آیت‌الله طبسی با بنده به واسطه شناخت پدرم آشنایی داشت. ایشان از من خواست با آستان قدس در حوزه مدیریت فرهنگی همکاری داشته باشم.

به قول شاعر:

خواجه خود دید و پسندید و خرید
بود آگاه از هر نیک و بدی

آن موقع در آستان قدس دو نهاد فرهنگی فعالیت داشتند. یکی کتابخانه مرکزی و دیگری اداره امور فرهنگی که مرحوم دکتر رجایی بخارایی در اینجا فعالیت می‌کردند. آن موقع مرحوم شاکری رئیس کارگزینی آستان قدس بودند و من نیز به همراه دکتر برادران رفیعی مدیریت امور فرهنگی آستان قدس رضوی را برعهده داشتم.

■ شما از سال‌ها پیش در لباس خادمی حضرت رضا(ع) در بارگاه امام رئوف خدمت می‌کنید. چه زمانی در این لباس مشرف شدید؟

مرحوم آیت‌الله طبسی در همان زمان به بنده گفت برای تشرف درخواست بده و ایشان نیز لطف کردند در سال ۱۳۶۳ خورشیدی حکم خادمی را به بنده دادند.

گفت‌وگوی اختصاصی قدس با دکتر محمدمهدی رکنی یزدی، استاد بازنشسته دانشکده ادبیات فردوسی و مدیر مسئول و سردبیر مجله «مشکوة»

شیرین سخن پُرآفرین

پس از انقلاب اسلامی و شروع انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها برای مدتی تعطیل شد. مرحوم آیت‌الله طبسی با بنده به واسطه شناخت پدرم آشنایی داشت. ایشان از من خواست با آستان قدس در حوزه مدیریت فرهنگی همکاری داشته باشم.

گزیده

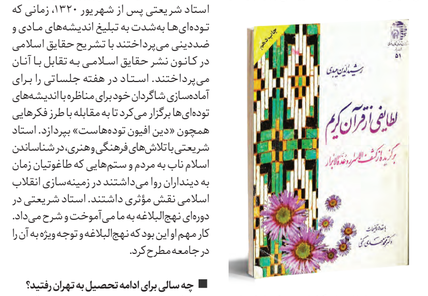

عکس‌نوشت

متولد شدن بنیاد پژوهش‌های اسلامی

شما عضو هیئت مدیره بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی در همان ابتدای تأسیس آن بودید؟

بله، وقتی در سال ۱۳۶۳ بنیاد تأسیس شد من به همراه مرحوم آیت‌الله واعظ زاده خراسانی، مرحوم شانه‌چی، مرحوم دکتر برادران و دکتر شدیم و حجت‌الاسلام علی اکبر الهی خراسانی نیز به عنوان مدیرعامل انتخاب شد.

پس از تأسیس مجله مشکوه که ابتدا مرحوم آیت‌الله واعظ زاده خراسانی مدیر مسئول و سردبیر مجله بود در سال ۱۳۷۸ خورشیدی این مسئولیت به بنده محول شد و تا به امروز در این سمت حضور دارم. ما در بنیاد به دنبال آن بودیم که ارتباط علمی و هماهنگی بین حوزه و دانشگاه ایجاد شود. البته در ابتدای کار فعالیت‌ها به صورت فیش‌برداری بود و سپس کم کم طرح‌های مهمی تصویب و در قالب کتاب منتشر شد.

گزارش نشست

دکتر قراملکی در مراسم تکوداشت استاد محمدمهدی رکنی مطرح کرد

آغازگر ادبیات جدید زیارت پژوهی

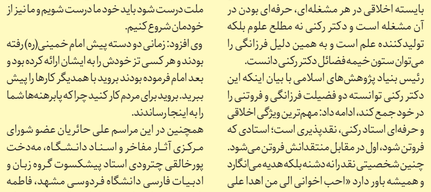

فاطمی نژاد | رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در مراسم تکوداشت دکتر محمدمهدی رکنی با تجلیل از مقام این استاد پیشکسوت، وی را آغازگر جریان جدید زیارت‌پژوهی معرفی کرد.

به گزارش رواق، در مراسمی که چهارشنبه ۵ مردادماه در تکوداشت دکتر محمدمهدی رکنی به همت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد در محل باشگاه مفاخر و پیشکسوتان این دانشگاه برگزار شد از این استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی و پژوهشگر باسابقه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تجلیل شد.

■ «رکنی» کتاب گرانسایه اخلاق حرفه‌ای آموزش و پژوهش است

در این مراسم، دکتر احمد فرامرز قراملکی رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با فاخر و نوگرایانه خواندن پژوهش‌های دکتر محمدمهدی رکنی در حوزه ادبیات زیارت، عنوان کرد: بنا به مسئولیتی که به‌تازگی به بنده واگذار شد، موری بر ادبیات زیارت داشتم و افسوس می خوردم چرا ادبیات زیارت در بخش انگلیسی زبان به‌ویژه در متونی که فیلسوفان دین به آن پرداخته‌اند، تفاوت کیفی زیادی با آنچه ما به فارسی نوشته‌ایم، دارد اما زمانی که کتاب شوق دیدار دکتر رکنی را مطالعه کردم، دیدم استاد رکنی در این کتاب، آغازگر یک جریان جدید زیارت‌پژوهی است و شروع به نکته‌پردازی در باب آنچه استاد در این کتاب آورده کردم که از نظر من کار فاخر، پژوهشی، نوگرایانه و پرنکته است.

قراملکی با بیان اینکه نکوداشت رکنی، نکوداشت فضیلت است، ادامه داد: به عنوان کسی که دانش آموز حوزه اخلاق حرفه‌ای به‌خصوص اخلاق آموزش و اخلاق پژوهش هستم به این فکر کردم اگر ما بخواهیم ترسیمی از اخلاق حرفه‌ای آموزش و پژوهش داشته باشیم، کتابی گرانمایه و متنی طلایی داریم که نکته نکته آن به ما می گوید بایسته‌های اخلاقی آموزش و پژوهش و فضیلت‌های تعلیم و تربیت کدام است و اسم آن کتاب، رکنی یزدی است.

وی افزود: استاد رکنی به ما می گوید کار اخلاقی از کار حرفه‌ای جدا نیست، کسانی که در کار حرفه‌گرا و حرفه‌ای نیستند از اخلاق نیز فاصله دارند. اولین بایسته اخلاقی در هر مشغله‌ای، حرفه‌ای بودن در آن مشغله است و دکتر رکنی نه مطلع علوم بلکه تولیدکننده علم است و به همین دلیل فرزانگی را می‌توان ستون خیمه فضائل دکتر رکنی دانست.

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی با بیان اینکه این دکتر رکنی توانسته دو فضیلت فرزانگی و فروتنی را در خود جمع کند، ادامه داد: مهم‌ترین ویژگی اخلاقی و حرفه‌ای استاد رکنی، نقدپذیری است؛ استادی که فروتن شود، اول در مقابل منتقدانش فروتن می‌شود. چنین شخصیتی نقدراه دشنه بلکه هدیه می‌انگارد و همیشه باور دارد «احب اخوانی الی من اهدا علی عیوبی».

وی خودانتقادی را از دیگر ویژگی‌های دکتر رکنی برشمرد و گفت: نقد پذیری مهم‌ترین فضیلت اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پژوهش است و فضیلت نقدپذیری این است که نقد را حتی اگر با رفتارهای غیراخلاقی منتقد همراه باشد، هدیه بداند. دکتر رکنی پیش از اینکه بخواهد نقد دیگران را با جان و دل بپذیرد، خود منتقد کارهای خودش است. این خودانتقادی و نقد بر خویشتن به تعبیر استاد باستانی پاریزی «خود مشت‌مالی» فضیلت بسیار مهمی است و ظرفیت و وسعت روحی بالایی می‌خواهد. قراملکی عشق به کار را سومین فضیلت دکتر رکنی معرفی و اضافه کرد: از اخلاق حرفه‌ای آموزش و پژوهش عشق به حرفه و کار است؛ به این معنا که حرفه تعلیم و تربیت نه شغل و نه حرفه بلکه مشی زندگی کسی باشد.

وی در پایان عنوان کرد: عشق راستین به حرفه چند علامت دارد که همه علامت‌ها را از کتاب تکوینی شریف این استاد می‌توان خواند؛ یک اصل آن، جانشین‌پروری است که نیازمند رنج دیدن و وقت گذاشتن است. اصل بعدی درستکاری حرفه‌ای است. به نظر من درستکاری حرفه‌ای در آموزش و پژوهش یکی از سخت‌ترین و دشوارترین اموری است که پیش پای یک انسان معتقد و عاشق به حرفه‌اش وجود دارد که یکی از ویژگی‌های آن انصاف در داوری در حرفه تعلیم و تربیت است.

■ هنر معلمی این است که شاگردش را بهتر از خود پرورش دهد

دکتر محمد مهدی رکنی یزدی نیز در این مراسم با تشکر از دست‌اندرکاران برگزاری این مراسم و سپاس از اظهار لطف همکاران و نزدیکان، گفت: من خودم را لایق آنچه گفته شد نمی‌دانم ولی امیدوارم خداوند ما را بهتر از آنچه در خصوصم روایت شد، قرار دهد.

استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد اداره ماند: من هنر معلمی را در این می‌دانم که معلم بتواند شاگردش را بهتر از خودش بار بیاورد. قرار نیست وجودهای ما مکرر باشد لذا خداوند نیز کارش تکرار در خلقت نیست و برای هر کسی مشخصه و ویژگی خاصی قرار داده است.

وی افزود: بعضی اوقات من چیزهایی می‌شنوم که باور نمی‌کنم؛ مثلاً می‌گویند پایان‌نامه افراد را دیگران برایشان می‌نویسند که امیدوارم چنین مسائلی دروغ باشد. مشی اساتیدی چون مرحوم غلامحسین یوسفی این بود که از دانشجو می خواستند آنچه کرده را توضیح دهد و بعد او را راهنمایی می‌کردند و این طور، دانشجویان را در کنترل خودشان می‌گرفتند.

دکتر رکنی در بخش دیگری از سخنانش با استناد به سخنان حضرت علی(ع) گفت: امیرالمؤمنین(ع) می فرمایند هر کس خود را پیشوای مردم گرداند، بر اوست که پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خویشتن مشغول شود و پیش از تربیت کردن دیگران، با رفتارش دیگران را تربیت نماید؛ بنابراین اگر ما بتوانیم دولت و ملت درست شود باید خود ما درست شویم و ما نیز از خودمان شروع کنیم.

وی افزود: زمانی دو دسته پیش امام خمینی(ره) رفته بودند و هر کسی نزد خودش را به ایشان ارائه کرده بود و بعد امام فرموده بودند بروید با همدیگر کارها را پیش ببرید. بروید برای مردم